**نام مقاله: برخي ملاحظات در جايگاه پرسش در فرايند پژوهش چگونه خلأ بين آنچه ما آموزش مي‏دهيم وآنچه دانشجويان در عمل انجام مي‏دهند را پر كنيم؟**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 22 \_ شماره دوم ، جلد 6**

**پديدآور: سونيا بودي**

**مترجم: جهانگير رنجبر**

**چكيده**

**دانشجويان دورة‌ كارشناسي،‌ اهميت تكاليف پژوهشي را به خوبي درك نمي‏كنند و به اين فعاليت‌ها تنها با هدف گرفتن نمره (مانند امتحانات پايان ترم) مي‏نگرند. علاوه بر اين،‌ دانشجويان راهبردهاي جستجوي اطلاعات را دنبال نمي‏كنند‌،‌ با فرايندهاي پژوهشي آشنا نيستند و به طور كلي در انجام تكاليف پژوهشي كه اساتيد به آنان واگذار مي‏كنند به كپي‏برداري روي مي‏آورند. از جمله مسائل ديگر دانشجويان، ناآشنايي با فرايند پژوهش، نداشتن دانش وسيع دربارة رشتة‌ خود، ناتواني در ارزيابي منابع موردنياز و ناتواني در انتخاب روش جستجوي سرعنوان موضوعي مي‏باشد. از طرفي كتابداران نيز نمي‏توانند دانشجويان را در زمينة راهبردهاي جستجوي اطلاعات و فرايندهاي پژوهشي، به خوبي آموزش دهند، زيرا راهبردهاي جستجوي اطلاعات و فرايندهاي پژوهشي ارائه‌شده توسط كتابداران مناسب همة‌ رشته‏ها نيست. لازم است كه كتابداران راهبردها و فرايندهاي پژوهشي مختلفي را فراهم آورند تا اين الگوها را در شرايط مختلف و در زمان نياز به دانشجويان آموزش دهند. اين مقاله به تفاوت‏هاي فرايند پژوهش محققان با فرايند پژوهش دانشجويان و به مشكل كتابداران در آموزش دانشجويان، يافتن يك موضوع و تعيين كانون آن، انتخاب يك روش جستجو، و ارزيابي سايت‌هاي وب مي‏پردازد و به مواردي اشاره مي‏كند كه تاحدودي خلأ موجود را پر كند.**

**كليدواژه‏ها: آموزش، فرايند پژوهش، راهبرد جستجو،‌ دانشجويان دورة‌ كارشناسي**

**پژوهش براي دانشجويان دورة‌ كارشناسي[1] غالباً فرايندي دشوار و تشويش‏آور است. دانشجويان ممكن است هدف از انجام پژوهشي را درك نكنند، به اين معنا كه گاهي اوقات تكليف پژوهشي در نظر آنان همچون مانعي براي عبور جلوه مي‏كند، يا مانند امتحانات پايان ترم، هدف از تكليف پژوهشي تنها گرفتن نمره مي‏باشد. با وجود اين، تهية مقاله يا گزارش پژوهشي موجب مي‏شود كه دانشجويان بتوانند به تعقيب دانش بپردازند و به‏طور انتقادي فكر كنند. در انجام پژوهش، به نظر مي‏رسد كه سه حوزه بيشترين دردسر را براي دانشجويان ايجاد مي‏كنند: انتخاب و محدودكردن موضوع، انتخاب روش جستجوي سرعنوان موضوعي، و ارزيابي منابع بويژه سايت‏هاي وب.**

**اگرچه بسياري از مسائل و فشارهاي مشابه در پژوهش و نوشتن كه دانشجويان تجربه مي‏كنند، ماهيت علمي دارند، نيازها و روش‏‎هاي پژوهشي محققان و دانشجويان بسيار متفاوت هستند. محققان در رشتة‌ تخصصي خود دانش وسيعي دارند و چارچوب‏هاي نظري،[2] روش‏ها، پرسش‌ها و مسائل جاري رشته را مي‏شناسند. محققان از انجام پژوهش دربارة موضوع مورد علاقة خود لذ‌ّت مي‏برند و در بررسي ابهامات، بن‏بست‏ها، دشواري‏ها و ترديد‏ها كه در ذات پژوهش است، از پختگي و تجربة لازم برخوردارند. دانشجويان دورة‌كارشناسي همة‌ اين ظرفيت‏ها را ندارند. بعلاوه، غالباً در انتخاب و محدودكردن موضوع، شناسايي آثار اصلي علمي و ارزيابي اصالت منابع آن‌ها مشكل دارند؛ دانشجويان براي تفكر دربارة يافته‏ها يا دستاوردهاي خود و دنبال‌كردن نظريه‏هاي پيش‏بيني‌نشده،‌ وقت كافي در اختيار ندارند.**

**به‏طور كلي آموزش كاربر به دانشجويان مي‏آموزد كه چگونه اطلاعات لازم براي انجام پژوهش يا ديگر تكاليف كتابخانه ـ محور را پيدا كنند. دانشجويان تجربه‏اي در دنبال‌كردن الگوهاي علمي پژوهش ندارند و نيازمند راهبردي هستند كه با سطح علمي آنان متناسب باشد. با وجود اين، كتابداران راهبردهاي جستجويي را ارائه مي‏دهند كه غالباً دانشجويان دورة‌ كارشناسي بويژه در محيط پيوسته از آن‌ها پيروي نمي‏كنند.**

**«استفن استون» به اين نكتة مهم اشاره دارد كه فرايند پژوهش محققان با فرايند پژوهشي كه كتابداران به دانشجويان آموزش مي‏دهند، تفاوت دارد (1). وي در مقالة خود بيان مي‏كند كه كتابداران، راهبرد جستجو را براساس منطق رشتة خود سازماندهي و تنظيم مي‏كنند و اين نشان مي‏دهد كه ما (كتابداران) تصور مي‏كنيم يك راهبرد جستجو را مي‏توان براي همة‌ رشته‏ها به كار برد. «استون»‌ همچنين استدلال مي‏كند كه آموزش دانشجويان دربارة شيوة استفاده از كتابخانه، بر جستجوي اطلاعات متمركز است، در صورتي كه دانستن چگونگي انجام پژوهش بر جستجوي دانش تكيه دارد. با وجود اين، چيزي كه «استون»‌ به آن اشاره نمي‏كند، راهبردي است تا بتوان مبتديان را در انجام پژوهش به طور بسيار مؤثري آموزش داد. چنانچه كتابداران بخواهند دانشجويان را از ابتدا براساس فرايندي كه محققان در انجام پژوهش به كار مي‏برند آموزش دهند، دانشجويان حتي بيش از پيش سردرگم خواهند شد.**

**اين مقاله فرايند پژوهش محققان و فرايند پژوهش دانشجويان را تبيين مي‏كند و مواردي را براي دانشجويان توصيه مي‏كند كه تاحدودي، خلأ بين آنچه را كه ما آموزش مي‏دهيم و آنچه را كه دانشجويان انجام مي‏دهند پر مي‏كند.**

**فرايند پژوهش محققان**

**تفاوت او‏ّليه بين فرايند محققان و فرايند دانشجويان اين است كه محققان، پژوهش خود را با دانش گسترده‏اي از رشتة تخصصي خود آغاز مي‏كنند،‌ اما دانشجويان غالباً زمينه و محدوده‏اي دربارة موضوع پژوهش خود دارند. محققان همچنين نظريه‏ها، چارچوب نظري رشته، و روش‏هاي پژوهش را مي‏شناسند،‌ و در نتيجه مي‏تواند «سؤالهاي پژوهش را پاسخ دهد» (2). پژوهش آنان ممكن است در يك آزمايشگاه، كتابخانه، با ارسال پرسشنامه، يا با جستجو در مطالعات موردي انجام پذيرد. بعلاوه، محققان اسم همتايان خود و دانشگاه‌هايي را كه پژوهش اصلي در آنجا صورت گرفته مي‏دانند، در همايش‌هاي حرفه‏اي و تخصصي حضور مي‏يابند و با جديدترين پژوهش‌ها آشنا مي‏شوند، و كتابشناسي‏ها و پانوشت‌ها را كه مي‏تواند آنان را به منابع مناسب و ارزشمند راهنمايي كند به‌طور گسترده مورد استفاده قرار دهند. بنابراين محققان در مواجهه با ابهامات و ترديدهايي كه در ذات پژوهش وجود دارند، به‌دليل پختگي و تجربة خود، خشنود مي‏شوند؛ درحالي كه دانشجويان سردرگم مي‏شوند.**

**اگرچه محققان براي ارائة مقاله به همايش، ارسال دستنوشته براي انتشار، تكميل پايان‏نامه، و اتخاذ تصميمات بكر ممكن است با ضرب‏الاجل‏هايي مواجه شوند، ولي در مقايسه با دانشجويان، غالباً زمان بسياري در اختيار دارند: نه‌تنها وقت كافي براي تفكر درخصوص كار خود دارند، بلكه براي كشف منابع مهم از روي بخت يا اتفاقي، فرصت كافي در اختيار دارند و مي‏گذارند كه نظريه‏ها خوب بپزند و دم بكشند. مثلاً يكي از همكاران دانشگاهي من بسيار دوست دارد تا از همة سوراخ‌ـ‌سنبه‏هاي رشتة ‌خود سردرآورد و اگر به خودش يادآوري نمي‏كرد ناچار بايد استخدام شود، هنوز هم داشت پايان‏نامه‏اش را مي‏نوشت. علاوه بر اين، محققان، پژوهش را دوست دارند،‌ حتي اگر جزو وظايف اجباري آن‌ها نباشد. بهترين كتابداران اميدوارند به دانشجويان نشان دهند كه تحقيق در يك موضوع ]خاص[ به هيچ عنوان سردرگم‌كننده نيست. با وجود اين گفته مي‏شود كه در انجام پژوهش و در نوشتن، بسياري از مسائل و فشارهايي كه دانشجويان با آن‌ها مواجه‏اند، براي محققان نيز پيش مي‏آيد: مثلاً دانشجويان از ارزيابي پژوهش خود توسط استادشان مي‏ترسند و اساتيد نيز از ارزيابي پژوهش خود توسط همتايان خود نگران هستند.**

**فرايند پژوهش دانشجويان**

**روشن است كه دانشجويان همة‌ قابلي‍ّت‌هاي محققان و نيازهاي پژوهشي مشابه آنان را ندارند. دانشجويان تنها به اساتيد خود دسترسي ندارند و از متون درسي، مواد خواندني و تجربه‏هاي كلاسي برخوردارند. اغلب آنان ممكن است در درخواست كمك از اساتيد خود براي پيشنهاد كتاب‌ها و مقاله‏هاي مهم‏، بسيار نگران، ساده‏انگار و بي‏تفاوت باشند. ام‍ّا دانشجويان ممكن است توانايي‏هاي خود را در شناسايي منابع مهم‏، ‌بسيار بالا ارزيابي كنند. تكليفي كه در آغاز ترم به دانشجويان واگذار مي‏شود،‌ عملاً وقتي مطالعه و انجام آن را آغاز مي‏‎كنند كه نيمي از ترم سپري شده يا در اغلب موارد در روزها يا شب‏هاي قبل از تحويل تكليف،‌ آن را انجام مي‏دهند. «گلوريا لكي» نيز مشاهده كرد كه، دانشجويان به كپي برداري روي مي‏آورند و براي انجام تكليف خود راهبرد جستجوي اطلاعات را دنبال نمي‏كنند (2).**

**برنامة آموزش كاربر در دانشگاه «نورث پارك»[3] راهبردي پژوهشي را به دانشجويان آموزش مي‏دهد كه شبيه راهبردهايي است كه در بسياري از دانشكده‏ها و دانشگاه‌هاي ديگر آموزش داده مي‏شود. اگرچه كتابداران راهبردي را براي نشان‌دادن محيط پيوسته پذيرفته‏اند، اساساً ساختار اين راهبرد يكسان باقي مي‏ماند. با مشاهدة دانشجويان در طي چندين سال، به نظر مي‏رسد دانشجويان با روشي نامنظم و درهم وبرهم به جستجوي اطلاعات مي‏پردازند و به هر چه كه دست يابند خوشحال مي‏شوند. از طرفي دانشجويان سعي دارند تا به شيوة محققان در جستجوي اطلاعات، خود را درگير يك نوع كشف اتفاقي بكنند، بدون اين‌كه زمينة رسمي و مشخصي كه اين نوع كشف مي‏تواند در آن اتفاق بيفتد،‌ داشته باشند. دانشجويان ممكن است در ذهن خود، منطقي براي انجام جستجو داشته باشند، اما هدف از اين منطق جستجو، دستيابي به تعداد مشخصي از منابع است، زيرا اين منطق جستجو به يك ضرب‏الاجل محدود شده است. از اين‏رو شكافي بين آنچه كتابداران به دانشجويان آموزش مي‏دهند و آنچه كه دانشجويان در عمل انجام مي‏دهند به وجود مي‏آيد. در اينجا هدف ما اين نيست كه دانشجويان لزوماً پژوهش را به شيوة محققان انجام دهند، بلكه صرفاً شناسايي تفاوت‏هاي موجود مي‏باشد.**

**برخي از كتابداران با اين مسئله مخالف‏اند. «توماس كِرك» بيان مي‏كند كه راهبرد جستجوي خطي هنوز مي‏تواند يك الگوي قوي باشد (3)، اما وي به راهبرد جستجوي خطي به عنوان اصول سازمان‏دهنده براي آموزش مهارت‏هاي پژوهشي نگاه مي‏كند، زيرا هم مراحل جستجوي اطلاعات و هم محيط الكترونيكي، خطي نيستند: محيط فرامتني پژوهشي جديد، تعاملي و چرخشي است؛ با وجود اين حتي در محيط كاغذي نيز پژوهش، هرگز كاملاً خطي نبوده و حالت تعاملي و چرخشي داشته. به‌ندرت دانشجويان يك جستجوي بسيار ساده انجام مي‏‎دهند تا بتوانند راهبرد جستجوي خاصي را قدم به قدم دنبال نمايند و به همة منابع موردنياز براي انجام يك تكليف پژوهشي دست يابند. دانشجويان نيز مانند محققان با بن‏بست مواجه مي‏شوند و لازم است كه برگردند و در مورد اطلاعاتي كه دارند و اطلاعاتي كه اكنون مورد نياز است، تأمل كنند. دانشجويان نه تنها برخي مراحل راهبرد جستجو را كنار مي‏گذارند، بلكه در اغلب موارد كل راهبرد جستجو از طرف آنان ناديده گرفته مي‏شود.**

**«كارول كولتاو» مطالعه‏اي دربارة‌ رفتار عاطفي دانش‏آموزان دبيرستاني در زماني كه پژوهش انجام مي‏دهند منتشر كرده است (4)، كه در مورد دانشجويان دانشكده‏ها نيزكاربرد دارد: «كولتاو»‌ نشان مي‏‎دهد كه راهبرد جستجو بر اطمينان و نظم استوار است، در صورتي كه دانشجويان دچار بي‏اطميناني و سردرگمي مي‏شوند. اگر الگوي كتابشناختي، دانشجويان را قادر مي‏سازد عمل جستجوي خود را با روشي سرراست و ساده به پيش برند، پس چرا احساس سردرگمي و بي‏اطميناني مي‏كنند؟ هدف ما اين است كه به دانشجويان يك روش نظام‏مند براي يافتن منابع مربوط و با ارزش نشان دهيم، اما ظاهراً موجب دلسردي و نااميدي آنان مي‏شويم، زيرا كار جستجو به آساني پيش نمي‏رود و يك الگو، براي همه مناسب نيست. «كولتاو» همچنين بيان مي‏كند چون كتابداران از پيچيدگي و دشواري فرايند يادگيري صحبت نمي‏كنند، غالباً دانشجويان به اشتباه فكر مي‏كنند كه جستجوي اطلاعات صرفاً شناسايي منابع است و به توضيح و تفسير منابع مربوط نمي‏شود. بنابراين هر دانشجويي فكر مي‏كند كه تنها او دچار سردگمي شده، زيرا نظام، بسيار دقيق و منظم به نظر مي‏رسد.**

**دانشجويان مسائل و مشكلات ديگري نيز دارند. انتخاب يك موضوع و تمركز بر آن، شايد دشوارترين كار پژوهش باشد و حفظ علاقه به موضوع، غالبا‌ً معياري كليدي براي انتخاب چيزي است كه به نظر بسيار ساده مي‏آيد. حتي محققان كه با رشتة تخصصي خود آشنا هستند، در ذهن خود دربارة چهارچوب نهايي موضوع عميقاًُ‌ به تفكر مي‏پردازند. دانشجويان، بويژه در دو سال اول تحصيل، دانش كافي براي شناخت و درك همة اجزاي يك موضوع ندارند، و ممكن است به علت سردرگمي دربارة ديدگاه‏هاي مخالف در ادبيات رشتة خود، نقطه‏نظرهاي مخالف را حذف نمايند و تنها ديدگاههاي دلخواه را بپذيرند. بعلاوه دانشجويان با تفاوت‏هاي ظريف سؤال‌ها آشنا نيستند، بنابراين چگونه مي‏توانند سرعنوانهاي موضوعي مناسبي براي جستجو در فهرست دسترسي عمومي پيوسته[4]، نمايه‏هاي پيوسته و وب، انتخاب كنند؟ در بهترين شرايط، ترجمه يا تبديل يك مفهوم به يك سرعنوان موضوعي دقيق، دشوار است. به‌علاوه دانشجويان غالباً از تفاوت بين كليدواژه و واژگان كنترل‌شده با جستجو به شكل «بخت و اقبالي» آگاهي ندارند؛ حتي اگر كليدواژه‏اي را به طور دقيق وارد نظام كنند، زبان جستجوي پايگاه اطلاعاتي هميشه انگليسي استاندارد نيست و ممكن است جستجو باز هم نامناسب و ناكافي باشد. استفاده از واژة جستجو هرگز موفقيت را تضمين نمي‏كند،‌ زيرا رشته‏هاي دانشگاهي (علمي) داراي عبارت‏هاي پيچيده‏اي هستند كه غالباً از توالي واژه‏ها تشكيل يافته‏اند. از آنجا كه فرايندهاي جستجويي كه اعضاي هيئت علمي مورد استفاده قرار مي‏دهند بسيار متفاوت و مختلف هستند، فرايندهاي جستجويي را كه كتابداران به دانشجويان آموزش مي‏دهند، الگو قرار نمي‏دهند. دنبال‌كردن پانوشت‌ها و كتابشناسي‌ها براي محققان، سازنده و موثر است؛ زيرا ممكن است نام‌هاي نويسندگان در قالب يك رده‏بندي علمي يا براساس نام آن‌ها مرتب شود. اما دانشجويان قادر به شناسايي تعداد كمي از محققان برجسته در يك رشته هستند و تا زماني‏كه در رشتة خود مهارت كافي پيدا نكنند يا وارد دورة تحصيلات تكميلي نشوند نمي‏توانند به راحتي مجموعه‏اي از انديشه‏ها، محققان و مطالعات انجام‌شده در رشتة تحصيلي خود و چگونگي ارتباط آن‌ها را شناسايي نمايند. دانشجويان همچنين در فهم و شناخت منابع علمي كه پيدا مي‏كنند مشكل دارند؛ زيرا هنوز به اندازة كافي با مقاله‏ها، بحث‏ها و بررسي‏هاي رشتة خود آشنا نيستند. حتي اگر يك موضوع ]خوب[ داشته باشند و گفتمان‏هاي مسئله يا موضوع را هم به خوبي درك كنند، رويارويي با تعداد گستردة پايگاه‌هاي اطلاعاتي پيوسته، سايت‏هاي وب، و ديگر منابع اطلاعاتي آنان را آشفته مي‏سازد. «ويليام بليك» در قرن هيجدهم مي‏نويسد «هرگز نمي‏داني چه چيز، كافي است مگر آن‌كه بداني چه چيز، فراتر از حد نياز است» ]اين گفته[ اكنون مي‏تواند براي ما و دانشجويان ما به مثابه كمك تلقي شود (5).**

**«كرايس اُبرمن» در قرن بيستم مي‏نويسد كه زيادي اطلاعات ممكن است موجب ناراحتي فكري شود و اين مسئله به يك ديدگاه عمومي در كتابخانه‏هاي دانشگاهي تبديل شده است (6). حتي زماني كه دانشجويان، اطلاعات موردنياز را پيدا مي‏كند، در ارزيابي منابع دچار مشكل مي‏شوند و كميت را بر كيفيت ترجيح مي‏دهند.**

**افزايش نگراني، بي‏اطميناني و سردرگمي دانشجويان، از بي‏صبري آنان ناشي مي‏شود: دانشجويان به علت شناخت كم محتوا و ساختار پايگاه‌هاي اطلاعاتي مختلف و ظاهراً به علت آشفتگي خود،‌ از امكانات ظاهراً‌ نامحدود موجود، آن‌هايي را برمي‏گزينند كه كاملاً شناخته شده باشند. مثلاً پايگاه‌هاي اطلاعاتي «اينفوترَك»[5] و «نماية آكادميك»[6] پايگاه‌هاي انتخابي و مورد استفادة دانشجويان هستند، در حالي كه پايگاه‌هاي اطلاعاتي ديگري نيز وجود دارند كه براي آنان بسيار مناسب‏اند. به‌طور كلي دانشجويان براي برآوردن نيازهاي مربوط به تكاليف خود، اطلاعات كافي مي‏خواهند و اين اطلاعات را هم خيلي فوري و بدون تأخير مي‏خواهند. از اين رو پايگاه‌هاي اطلاعاتي متن كامل را انتخاب مي‏كنند و از انتخاب پايگاه‌هاي اطلاعاتي صرفاً استنادي چشمپوشي مي‏نمايند. مي‏توان گفت كه بي‏صبري دانشجويان بيشتر به خاطر ديدگاه آنان نسبت به ارزش تحقيق و برنامة آن‌ها، و كمتر به خاطر تأثير فناوري مي‌باشد.**

**بنابراين چگونه كتابداران مي‏توانند هم مهارت‏هايي را كه دانشجويان براي استفاده از فناوري دائم‏التغيير، بدان نياز دارند و هم يك فرايند پژوهشي كاربردي و انعطاف‏پذير را به شيوه‏اي به دانشجويان آموزش دهند كه بتوانند آن‌ها را به ديگر موقعيت‏هاي پژوهشي منتقل كنند؟ همة‌ كتابداران دربارة نقش و وظيفة مناسب و شايسته خود اتفاق نظر ندارند. برخي بيان مي‏كنند كه بهتر است فقط به ارائة خدمات بپردازند (7) و برخي ديگر معتقدند كه كتابداران بايد مهارت‏ها را آموزش دهند (9). تعدادي بر اين عقيده‏اند كه بايد مفاهيم را آموزش داد (10،11و12) و برخي نيز مي‏گويند كه كتابداران بايد آموزش مفهوم‌ـ‌محور و مهارت‌ـ محور را با هم تركيب كنند (13).**

**پركردن خلأ: برخي ملاحظات**

**جامعة‌ دانشگاهي كه از محققان و دانشجويان تشكيل يافته، جامعه‏اي براي فراگيري علم و دانش مي‏باشد. در اين جامعه، دانش سكة ]رايج[ و حقيقت، مرواريدي گرانبها است. محققان بواسطة‌ پژوهش با يكديگر ارتباط برقرار مي‏كنند و از دانشجويان، البته به شكل ابتدايي، دعوت مي‏شود به اين جامعه ملحق شوند. اگر يكي از اهداف آموزش عالي اين باشد كه تفكر انتقادي را به شهروندان خود آموزش دهد، بنابراين تكاليف پژوهشي بايد نمونه‏هايي براي دانشجويان باشد كه بدان واسطه، كيفيت تجزيه و تحليل، تركيب و ارزيابي را تمرين كنند. آنچه كه در انجام پژوهش بايد بدانيم اين است كه محققان دستاوردها و كشفياتي را كه ديگران به دست آورده‌اند مبناي تحقيق خود قرار مي‌دهند و بدين ترتيب دانش آرام آرام به جلو حركت مي‌كند.**

**با انجام تكاليف پژوهشي، دانشجويان از پيچيدگي، دوپهلويگي و ابهام دانش آگاه مي‌شوند. «باربارا مك آدام‌» بيان مي‌كند كه از طريق تجربه، دانشجويان ياد مي‌گيرند كه به گونه‌اي تازه بيانديشند، سؤال كنند، درگير شوند، ثبت كنند، حذف كنند و اطلاعات را تحليل نمايند (14). بنابراين از ديدگاه وي، آموزش كاربر بايد دانشجويان را در تنظيم و تدوين مسئلة پژوهش، ترجمة آن به يك موضوع مشخص، و ايجاد استانداردها ياري رساند تا بدين وسيله بتوانند منابعي را كه مي‌يابند بپذيرند يا رد كنند.**

**تنش موجود بين درك دانشجويان از يافتن منابع مناسب براي گرفتن نمرة عالي به جاي تحصيل علم، مدت مديدي است كه تبديل به تنها راه يا عادت يادگيري شده و احساس نياز كتابداران به آموزش دانشجويان درباب شيوة استفاده از ابزارهاي دستيابي و طرز تفكر انتقادي دربارة آنچه كه پيدا مي‌كنند، كتابداران را برآن داشته كه نقش و وظيفة خود در امر آموزش را مورد سؤال قرار دهند. شرايط محيط الكترونيكي، پيچيدگي آموزش كاربران را تشديد كرده است. اكنون لازم است كه كتابداران آموزشي نيز، دانشجويان را براي استفاده از مجموعة وسيعي از ابزارهاي دستيابي آموزش بدهند. «كولتاو» بيان مي‌كند كه الگوي كتابشناختي سن‍ّتي، محدود به مكانيابي اطلاعات است و كار تفسير، تنظيم و يادگيري را در فرايند جستجوي اطلاعات مورد توجه قرار نمي‌دهند (4).**

**به منظور آموزش فرايند پژوهش، كتابداران به برخي از مدل‌هاي پژوهشي نياز دارند كه در موقعيت‌هاي مختلف از آن‌ها استفاده كنند، هرچند كه ممكن است از يك مدل خاص، به اشتباه چنين برداشت شود كه يك راهبرد براي همة شرايط، مناسب است. با وجود اين «دنيس اسبل» بيان مي‌كند كه راهبرد پژوهشي بايد سيال و سازمان‌يافته باشد تا نشان دهد كه فرايند پژوهش و نوشتن، يك عمل پيوسته، متناوب، بافتني و تغذيه‌كننده يكديگر مي‌باشد، درست مانند محققان كه تحقيق مي‌كنند، مي‌نويسند، مي‌خوانند، فكر مي‌كنند، بحث مي‌كنند و كانون تمركز خود را تغيير مي‌دهند تا اين‌كه بينش‌هاي جديدي را خلق كنند (15). يك مدل، باعث ايجاد برنامة آموزشي منسجمي مي‌شود كه انتقال و يادگيري دانش را در دانشجويان، درحالي كه درجلسه‌هاي آموزشي مختلف شركت مي‌كنند، افزايش مي‌دهد. آنچه كه در اين رابطه اهميت دارد، ضرورت وجود يك مدل انعطاف‌پذير مي‌باشد كه سازگار و قابل كاربرد در انواع مختلفي از برنامه‌هاي آموزشي در محيط الكترونيكي باشد. اين مقاله بيان مي‌كند كه هر مدل از سه بخش تشكيل مي‌شود: يافتن يك موضوع و تعيين مسئله يا كانون آن، شناخت تفاوت بين كليدواژه‌ها و جستجوي واژگان كنترل شده، و ارزيابي مناسب منابع.**

**يافتن يك موضوع و كانون آن**

**درخواست راهنمايي و هدايت از اعضاي هيئت علمي، پرسيدن پرسش دربارة موضوع و شناخت شيوة اساسي ارتباط در يك رشته، توصيه‌هاي مناسبي به دانشجويان هستند كه آنان را در يافتن موضوع و شكل‌دادن كانون آن كمك مي‌كند. از آنجا كه دانشجويان، تا زماني‌كه مهارت‌ كافي در رشتة خود پيدا‌ نكنند، مباني، روش‌ها، موضوع‌هاي اصلي، پرسش‌ها و مسائل آن رشته را نمي‌شناسند، همكاري با اعضاي هيئت علمي به خاطر كمك آنان به دانشجويان در انتخاب موضوع و تعيين كانون آن بسيار مهم است. اگر چه كتابداران مي‌توانند به اين فرايند كمك كنند، در حقيقت اين اعضاي هيئت علمي هستند كه در فرايند پژوهش، راهنمايي‌هاي لازم را به دانشجويان مي‌دهند.**

**دانستن اين‌كه چگونه موضوعي را شكل دهيم و آن را به عبارات جستجو ترجمه كنيم، شايد بزرگترين مسئله‌اي باشد كه نه تنها دانشجويان، بلكه هر محققي با آن روبرو است. «كولتاو» دريافت زماني كه دانشجويان بر موضوع خود احاطه و تمركز دارند، اعتمادبه‌نفس قابل توجهي براي انجام پژوهش پيدا مي‌كنند (4). او همچنين توصيه مي‌كند كه چون دانشجويان براي قالب‌بندي كانون موضوع مورد نظر خود نياز به راهنمايي دارند، دانشجويان در اين مرحله بويژه مي‌توانند از راهنمايي اساتيد خود بهره ببرند.**

**طرح سؤال، شيوة مؤثر و اثرگذار براي انديشيدن دربارة يك موضوع است. داشتن سؤال براي پرسيدن، كمك مي‌كند كه موضوع به بخش‌هاي معناداري تبديل شود و اين خود باعث راهنمايي و هدايت به كانون موضوع مي‌شود. سؤال‌ها، وظايف را تعريف مي‌كنند، مسئله را بيان مي‌كنند و چهارچوب مسائل را روشن مي‌نمايند. پرسش‌ها افكار ما را آشكار مي‌كنند و ما را وا مي‌دارند كه با پيچيدگي‌ها و دشواري‌ها مقابله كنيم. پرسش سبب مي‌شود كه ما به افرادي فكور تبديل شويم؛ پرسش درواقع يك قدم لازم و ضروري براي تبديل شدن به يك متفكر منتقد است و باعث پيدايش ظرفيت‌ها و قابليت‌هاي لازم براي تحليل، تركيب و ارزيابي اطلاعات مي‌گردد. اگر كتابداران از دانشجويان مي‌خواهند كه به چيزي فراتر از پيداكردن صرف اطلاعات يا زيروروكردن يك مقاله فكر كنند، بايد برخي پرسش‌هاي هدايت‌كننده و راهنما براي دانشجويان فراهم شود. در زير، پرسش‌هاي كلي كه مي‌توان آن‌ها را براي رشته‌هاي مختلف مورد استفاده قرار داد، توصيه شده‌اند. توصية اولية من اين است كه با اعضاي هيئت علمي، همكاري و مشاركت به عمل آيد و برنامه‌هاي درسي رشته‌، قبل از اين‌كه اين پرسش‌ها يا هر پرسش ديگري به كار گرفته شود، مورد مطالعه قرار گيرند. بنابراين اين پرسش‌ها جنبة هدايت و راهنمايي دارند و هدف، تهية فهرست اقدامات ديگري كه بايد مرحله به مرحله انجام شوند، نيست. خصوصاً اگر استاد هم فهرستي از پرسش‌ها را به دانشجويان داده باشد، دانشجويان دربارة اين‌كه چگونه دو فهرست را با هم تلفيق كنند، سردرگم مي‌شوند.**

**كتابداران و برخي محققان، فهرست‌هايي از اين گونه پرسش‌ها تدوين نموده‌اند، پرسش‌هاي جامع زير كه دانشجويان مي‌توانند در زمان پژوهش از خودشان بپرسند، براساس نظريه‌اي از علوم شناختي تنظيم شده‌اند (20). اين مقوله‌ها اجزاي موضوع را براي دانشجويان مشخص مي‌كنند.**

**زمينه**

**ـ موضوع پژوهش من درچه زمينه‌اي است: جامعه‌شناسي، ادبيات، فلسفه؟**

**ـ گرايش تاريخي يا دوره‌هاي زماني موضوع پژوهش چيست؟**

**ـ آيا به اطلاعات تاريخي نياز دارم يا اطلاعات جاري؟**

**ـ آيا محدوديت‌هاي جغرافيايي وجود دارند؟**

**جزئيات**

**ـ بخش‌هاي موضوع پژوهش من كدام‌ند؟**

**ـ من به چه نمونه‌ها و شواهدي نياز دارم؟**

**ـ چه اصطلاحاتي در موضوع پژوهش به‌كار رفته و مفهوم آن‌ها چيست؟**

**علت‌ها**

**ـ اين وضعيت چرا و چگونه به وجود آمده است؟**

**نتايج**

**ـ اين وضعيت چه نتايجي به دنبال دارد؟**

**تفاوت‌ها**

**ـ ديدگاههاي مخالف يا متضاد درباب موضوع كدام‌ند؟**

**ـ موضعگيري من در قبال آن‌ها چيست؟**

**تشابه‌ها**

**ـ تا چه اندازه‌ موضوع من با ديگر مكان‌ها، زمان‌ها يا گروه‌هاي افراد مشابهت دارد؟**

**هشدارها**

**ـ آيا هيچ آثار و پيامدهاي منفي در موضوع مي‌‌بينم؟**

**فرصت‌ها**

**ـ چقدر مي‌توانم چيزهاي تازه و بامعنا ارائه كنم؟**

**براي يافتن پاسخ اين سؤال‌ها دانشجويان بايد از شيوة اساسي ارتباط در درون رشتة خود و نيز ابزارهاي ارتباطي رشته مانند كتاب‌ها، مجله‌هاي عمومي و علمي، سايت‌هاي وب، پايگاه‌هاي اطلاعاتي و نمايه‌ها آگاهي يابند. دانشجويان همچينن بايد بدانند كه آيا به اطلاعات ويژه‌اي مانند علم آمار، مطالعات موردي، ديدگاههاي كلي، اجمالي، تحليل‌هاي عميق، شواهد يا ديدگاه‌هاي مخالف احتياج دارند يا نه. برنامه‌هاي آموزشي دربارة وب نيز براي شناسايي و اصلاح يك موضوع، سودمندند.**

**«وين‌بوت»، «گريگوري كلمب» و «جوزف ويليامز» پرسش‌هاي زير را ارائه كردند (21): اين پرسش‌ها نه تنها به دانشجويان در محدودكردن موضوع خود كمك مي‌كنند، بلكه انگيزة دانشجويان را در درك اهميت آنچه كه در راه جستجوي دانش انجام مي‌دهند، بالا مي‌برند. دانشجويان مي‌توانند اين پرسش‌ها را در آغاز يك طرح پژوهشي و در مراحلي كه پايان‌نامة خود را اصلاح مي‌نمايند مطرح كنند. نويسندگان همچنين توصيه مي‌كنند پرسش «خوب كه چي؟ منظورت چيست؟» هميشه در ذهن حاضر باشد.**

**1ـ من دارم دربارة ... ياد مي‌گيرم. روي ... كار مي‌كنم. دربارة ... مطالعه مي‌كنم.**

**2ـ من دارم X را بررسي مي‌كنم، زيرا مي‌خواهم بدانم كه آيا/ چه كسي/ چه چيزي در چه زمان/ كجا/ چرا/ چگونه/... .**

**3ـ من دارم ... را بررسي مي‌كنم، زيرا مي‌خواهم دريابم كه ... تا بفهمم چگونه/ چه چيزي/ چرا... .**

**انتخاب يك روش جستجو: كليدواژه و واژگان كنترل‌شده**

**محققان در مرحلة اوليه، منابع خود را بواسطة دانش قبلي، كتابشناسي‌ها، پانوشت‌ها و همتايان خود پيدا مي‌كنند. دانشجويان قادر نيستند محققان اصلي و مطالعات اساسي مربوط به يك رشته را شناسايي نمايند. با وجود اين پيداكردن يك كتاب، مقاله يا سايت مهم و استفاده از منابع و مآخذ آن مي‌تواند مهم‌ترين شيوة راهنمايي دانشجويان به منابع مهم دربارة يك موضوع باشد. در صورتي كه چنين منابعي توسط يك استاد معرفي شود، چه بسا تفاوت‌هاي مؤثري در فرايند پژوهش و جستجو ايجاد كند. در برخي مواقع، اگرچه دانشجويان نياز دارند كه از سرعنوان‌هاي موضوعي استفاده نمايند، اما اين فرايند، بسيار نارضايت‌بخش و نامنظم است. «اينگريد» در مطالعه‌اي دربارة استفاده از فهرست پيوسته، دريافت كه دانشجويان از جستجوي كليدواژه‌اي، بسيار زياد استفاده مي‌كنند و هر چه اصطلاح كه در آن زمان به ذهنشان بيايد مورد جستجو قرار مي‌دهند (22). نكته اين است كه نمايه‌هاي الكترونيكي با يكديگر فرق مي‌كنند و برخي داراي اصطلاحنامه‌ هستند؛ در اين صورت اگر دانشجويان شناخت خوبي از آن نمايه داشته و علاقه‌مند به استفاده از آن باشند، اين منبع مفيد واقع خواهد شد. برخي ديگر از نمايه‌ها و پايگاه‌هاي اطلاعاتي مستلزم جستجوي كليدواژه‌اي هستند و در برخي از پايگاه‌هاي اطلاعاتي براي جستجو، بايد از نشانه‌هايي مانند خط تيره (ـ) در بين اصطلاحات يا گيومه (« ») در دو طرف اصطلاحات استفاده كرد. اگر تسلط‌يافتن بر فنون مختلف جستجو، براي كتابداران كار دشواري است، جاي تعجب نيست. دانشجويان در جستجوي يك يا دو پايگاهي كه كاملاً آشنا هستند سردرگم نمي‌شوند. استفاده از كتابشناسي براي مرور عنوان‌ها و سرعنوان‌هاي موضوعي كه در اُپَك يا در يك پايگاه اطلاعاتي الكترونيكي براي عناوين به كار رفته، به استفادة مجدد از اين اصطلاحات يا عناوين در هر جاي ديگر كمك مي‌كند.**

**در يك محيط الكترونيكي، تركيبي از كليدواژه‌ها و واژگان كنترل‌شده مفيد خواهد بود، هرچند كه ممكن است مجبور شويم كليدواژه‌ها يا اصطلاحات مختلفي را جستجو كنيم. با وجود اين قبل از اين‌كه دانشجويان تصميم بگيرند چگونه سرعنوان‌هاي موضوعي مناسب را پيدا كنند، پرسش‌هاي زير، آنان را در انتخاب سرعنوان‌هاي مناسب راهنمايي مي‌كند:**

**ـ آيا به يك مقاله، كتاب يا سايت وب نياز دارم؟**

**ـ آيا به مجله‌هاي عمومي يا مجله‌هاي علمي نياز دارم؟**

**ـ آيا به اطلاعات جاري نياز دارم يا اطلاعات قديمي‌تر نيز ممكن است مفيد باشد؟**

**ـ موضوع پژوهشي من در چه زمينه‌اي است: روانشناسي، جامعه‌شناسي، الهيات، ادبيات، علم اخلاق؟**

**«باربارا مك آدام» براي بيان دقيق سرعنوانهاي موضوعي، دانستن تأثير نامها و تعاريف آن‌ها را مورد تأكيد قرار مي‌دهد (23). ايجاد يك واژگان و توضيح اصطلاحات ناآشنا، گام‌هاي اساسي در تحليل پرسشها مي‌باشد:**

**ـ مردم اين انديشه را با چه نام‌هايي به كار مي‌برند؟**

**ـ كداميك از اين نام‌ها با نام‌هايي كه من به اين نظريه مي‌دهم هماهنگ‌تر است؟**

**ـ وقتي كه يك انديشة يكسان، نام‌هاي مختلفي دارد به چه معنا است؟**

**در اين مرحله، هدايت و راهنمايي دانشجويان توسط يك كتابدار براي دسترسي به يك پايگاه اطلاعاتي مناسب و نشان دادن راه دسترسي به واژگان كنترل‌شدة پايگاه اطلاعاتي، مفيد است به شرطي كه دانشجويان از كتابدار درخواست كمك كنند يا كتابداري در كنار آن‌ها باشد. «وين بوت»، استاد برجستة دانشگاه شيكاگو مي‌نويسد در زماني كه دانشجوي دورة كارشناسي بوده، يك بار چون نتوانسته اطلاعاتي دربارة «هنري گيبسون» نمايشنامه‌نويس معروف نروژي پيدا كند، از نوشتن مقاله در اين باره عاجز ماند، وي بيان مي‌كند: «دليل اين امر، كمرويي بيش از اندازة من بود كه نتوانستم از يك كتابدار كمك بخواهم» (21).**

**ارزيابي سايت‌هاي وب**

**بنابر تجربة خود، معتقدم كه اعضاي هيئت علمي از كمك كتابداران در ارزيابي منابع بسيار استقبال مي‌كنند. راهبردهاي جستجويي كه كتابداران سال‌ها است در اين دانشگاه مورد استفاده قرار مي‌دهند، بررسي و مطالعة مجدد اين ابزارها است؛ با وجود اين به عقيدة ما، دانشجويان تقريباً هرگز از اين ابزارها استفاده نمي‌كنند، مگر در مواردي كه انجام يك تكليف درسي، استفاده از اين ابزارها را ايجاب كند.**

**چنانچه دانشجويان دربارة منابع مورد نياز سؤال‌هايي را از خود بپرسند براي آنان بسيار ثمربخش خواهد بود. فهرست‌هاي مختلفي از پرسش‌هاي ارزيابي سايت‌هاي وب بر روي وب يافت مي‌شود. (24). با اين حال برخي از اين فهرست‌ها بسيار طولاني و مفصل هستند و به نظر مي‌رسد كه دانشجويان در مواجهه با آن‌ها سردرگم شوند، يا فكر كنند كه تا به حال اين پرسش‌ها را نديده‌اند. پيشنهاد «كاترين لي» اين است كه منابع، چه به صورت چاپي و چه بر روي وب، بهتر است در قالب بخش‌هايي متمركز، كوتاه، مختصر، تك‌صفحه‌اي، با سرعنوان‌هاي اصلي و عنوان‌هاي فرعي ارائه شوند (25). كتابداران مي‌توانند اين پرسش‌ها را به شكل زير خلاصه كنند تا براي استفادة دانشجويان مفيد واقع شوند:**

**اعتبار**

**ـ آيا اطلاعاتي دربارة صلاحيت و اعتبار نويسنده داده شده؟**

**ـ مخاطب موردنظر چه كسي است؟**

**ـ آيا اطلاعاتي دربارة پيشينه يا اهداف مؤسسة حمايت‌كننده داده شده؟**

**بهنگام‌بودن**

**ـ آيا مدرك، بهنگام‌سازي يا ويرايش مي‌شود؟**

**عينيت و دقت**

**ـ آيا اين صفحه، فروش چيزي را نيز مدنظر دارد؟**

**ـ آيا اشتباهات املايي يا نادرستي‌هاي ديگري در آن وجود دارد؟**

**نشانه‌هاي يك سايت وب خوب**

**ـ آدرس نويسنده و مؤسسه براي برقراري تماس و ارتباط آورده مي‌شود؛**

**ـ دلايل صلاحيت يا اعتبار نويسنده ارائه مي‌شوند؛**

**ـ توسط يك مؤسسة معروف و شناخته‌شده حمايت مي‌شود؛**

**ـ اطلاعات به طور مستقيم و عيني، و با تبليغات محدود ارائه مي‌شود؛**

**ـ سايت منظماً روزآمد مي‌شود و پيوندهاي مربوط به سايت نيز روزآمد هستند.**

**نتيجه‌گيري**

**محققان و دانشجويان دورة ليسانس، پژوهش خود را به شيوه‌هاي متفاوتي انجام مي‌دهند. دامنة دانش محققان وسيع است. نظريه‌ها، چارچوب‌هاي نظري، روش‌ها و پرسش‌هاي رشتة تخصصي و نام محققان رشتة خود را مي‌شناسند و اطلاعات را در كتابشناسي‌ها، پانوشت‌ها و پيشنهادهاي همتايان خود جستجو مي‌كنند. محققان مي‌توانند از عهدة ابهامات و ترديدهايي كه در ذات هر پژوهشي وجود دارد به خوبي برآيند. علاوه بر اين، هدفي كه محققان در انجام پژوهش دنبال مي‌كنند و علاقة آنان به رشتة تخصصي خود، تحمل آنان را در طول سختي‌ها و شدت‌هاي پژوهش تقويت مي‌كند.**

**دانشجويان، تازه‌كار و مبتدي هستند و تعداد كمي از اين قابليت‌هاي محققان را دارا مي‌باشند. آنان درك درستي از هدف پژوهش ندارند و در انتخاب يك موضوع متمركز با مشكل مواجه‌اند؛ همچنين داراي دانش گسترده‌اي در رشتة خود نيستند و نظريه‌ها، چارچوب‌هاي نظري، روش‌ها و مسائل يك رشتة تحصيلي را نمي‌شناسند. زماني‌كه دانشجويان استنادهايي را پيدا مي‌كنند، تعداد كمي از اسامي محققان براي آنان آشنا است و در تشخيص ارزش آنچه كه پيدا كرده‌اند مشكل دارند. آن‌ها نمي‌توانند جستجوي موضوعي را خوب انجام دهند و غالباً در مواجهه با اطلاعات بسيار زياد، وحشت‌زده مي‌شوند. همچنين با محدوديت‌هاي زماني روبرويند كه محققان معمولاً اين مشكل زماني را ندارند. در نتيجه، دانشجويان به جاي انجام يك راهبرد جستجوي اطلاعات به راهبرد كپي‌برداري روي مي‌آورند.**

**كتابداران تمايل دارند يك راهبرد جستجوي خطي يا قدم به قدم را آموزش دهند، اما پژوهش بويژه در محيط الكترونيكي، تعاملي و چرخشي مي‌باشد. يك الگوي انعطاف‌پذير، منسجم و قابل فهم كه با رشته‌هاي آموزشي مختلف سازگار باشد، لازم است. اما بايد دانست كه تنها يك راهبرد براي همة موقعيت‌ها و شرايط مناسب نيست. همكاري و مشاركت دانشجويان با اعضاي هيئت علمي در فرايند پژوهش براي به‌دست‌آوردن تجربة منطقي و بامعنا بسيار حياتي است. به منظور پركردن خلأ بين آنچه كتابداران آموزش مي‌دهند و آنچه دانشجويان عملاً انجام مي‌دهند، پرسيدن پرسش به عنوان بخشي از روش پژوهش، اين توانايي را در دانشجويان ايجاد مي‌كند كه موضوع، منابع و جستجوي موضوعي خود را تحليل، تركيب و ارزيابي نمايند.**

**منابع**

**1. Stephen K. Stoan, "Research and Library Skills: An Analysis and Interpretation," College & Research Libraries, 45 (March 1984): 99-109.**

**2. Gloria Leckie, "Desperately Seeking Citation: Uncovering Faculty Assumptions About the Undergraduate Research Process," The Journal of Academic Librarianship, (May 1996): 201-208.**

**3. Thomas G. Kirk, "Course-Related Bibliographic Instruction in the 1990’ s," Reference services Review, 27(3) (1999): 235-241.**

**4. Carol Kuhlthau, Seeking Meaning: A Process Approach to Library and Information Services (Norwood, NJ: Ablex Publishing, 1993).**

**5. William Blake, The Poetry and Prose of William Blake, edited by D.V. Erdmans (New York: Doubleday, 1988).**

**6. Crise Oberman, "Avoiding the Cereal Syndrome, or Critical Thinking in the Electronic Environment", Library Trends, 39 (Winter 1991): 189-202.**

**7. Michael Gorman, "Send for aChild of Four! Or the BI-less Library", Library Trends, 39 (Winter 1991): 354-362.**

**8. Robert Hauptman,"Bibliographic Instruction: A Failed Exercise", Research Strategies, 16 (1988): 235-236.**

**9. Cheryl LaGuardia, "Renegade Library Instruction", Library Journal, 17 (October 1, 1992): 51-53.**

**10. Susan G. Blandy & Patricia O’Brien Libutti, "As the Cursor Blinks: Electronic Scholarship and Undergraduates", Library Trends, 44 (Fall 1995): 270-305.**

**11. Joan Kaplowitz & Janic Contini, "Computer-Assisted Instruction: Is It an Option for Bibliographic Instruction in Large Undergraduate Survey Classes?" College & Research Libraries, 60 (January 1999): 19-27.**

**12. Virginia Tiefel, " Library User Education: Examining Its Past, Projecting Its Future", Library Trends, 44 (Fall 1995): 318-338.**

**13. Maureen Kilcullen, "Teaching Librarians to Teach: Recommendations on What We Need to Know", Reference Services Review, 26 (Summer 1998): 7-18.**

**14. Barbara MacAdam & B.Kemp, "Bibliographic Instruction and Critical Inquiry in the Undergraduate Curriculum", The Reference Librarian, 24 (1989): 233-244.**

**15. Dennis Isbell, "Teaching Writing and Research as Inseparable: A Faculty-L Librarian Teaching Team", Reference Services Review, 23 (Winter 1995): 51-62.**

**16. Benjamin Bloom, Taxonomy of Educational Objectives: The Classification of Educational Objectives (New York: Longman, 1956).**

**17. Janet Dagenais Brown, "Power Research- Who Needs It?" Research Strategies, 15 (4) (1997): 239-260.**

**18. Barbara Fister, "The Research Process of Undergraduate Students", The Journal of Academic Librarianship, 18 (July 1992): 163-169.**

**19. S. H. Plum, " Library Use and the Development of Critical Thought", In Increasing the Role Academic Libraries, Edited by Thomas Kirk (San Francisco: JosseyBass, 1984), PP. 25-33.**

**20. National Institute of Social Science Information. [Online]. Available: www.nissi.org (accessed june 1, 2001)**

**21. Wayne Booth, Gregory Colomb &Joseph Williams, The Craft of Research (Chicago: University of Chicago Press, 1995).**

**22. Ingrid Hseih-Yee, "Student Use of Online Catalogs and Other Information Channels", College & Research Libraries, 57 (March 1996): 161-172.**

**23. MacAdam, "Bibliographic Instrction and Critical Inquiry in the Undergraduate Curriculum".**

**24. Harmon Stration, Jr., Evaluating Internet Resources: A Selective Bibliography (Auburn, AL: The Auburn University Libraries). [Online]. Availble: www.lib.auburn.edu/madd/docs/eir.html**

**25. Catherine Lee, "Teaching Generation X", Research Strategies, 14 (Winter 1996): 56-59.**

**فهرست مطالب**

**تحليلي بر ارزش افزوده اطلاعات و نظام‌هاي اطلاعاتي/ دكتر رحمت‌الله فتاحي.. 1**

**ارزش اطلاعات در فهرست‌هاي كتابخانه‌اي/ جو متيوز، ترجمه شعله ارسطوپور29**

**عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصيلي وتغيير نگرش دانشجويان كتابداري و روانشناسي باليني در دانشگاه شهيد چمران اهواز/ دكتر زاهد بيگدلي، زويا آبام 47**

**بررسي و تحليل عوامل مؤثر بر رضايتمندي مراجعان كتابخانة مركزي آستان قدس رضوي / علي آهنگري.. 67**

**تعيين نشريات هستة لاتين دانشكدة ادبيات و علوم انساني و دانشكدة علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه شيراز در كتابخانة ميرزاي شيرازي/ دكتر زهير حياتي، جهانگير رنجبر 87**

**برخي ملاحظات در جايگاه پرسش در فرايند پژوهش/ سونيا بودي، ترجمه جهانگير رنجبر. 103**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. درتمام اين مقاله منظور از دانشجويان دورةكارشناسي (Undergraduate Students) مي‏باشند. (مترجم)**

**2. Paradigm**

**1. North Park**

**1. OPAC**

**1. InfoTrack**

**2. Academic Index**